

میدون و سوفیا

از عقب‌زده یا از جلو؟



یوریا عالمی

● بابای سوفیا می‌گوید: خبرگزاری ایسنا گزارش داده که درویر بر زاینده‌رود کشاورزان مشغول کشت برنج هستند.

آب و آبدان!

من می‌گویم: بابابزرگ ما فیلسوفی بود برای خودش و وقتی ما حمله می‌کردیم به شام و ناهار و یخچال، می‌گفت: «کاه از خودت نیست، کاهدان که از خودت است!»

حالا شده حکایت کشاورزی. ۹۰ درصد زاینده‌رود را سیاست‌های مسئولان خشک کرد، آن ۱۰ درصد باقیمانده کار مریخی‌هاست؟ یا ما که دور زاینده‌رود هزارتا چاه زدیم؟ یا ما که این‌همه قات را خشک کردیم؟ یا ما که شکم سفره‌های زیرزمینی را سفره کردیم؟

بابای سوفیا می‌گوید: تو بی‌شعوری. اگر تو به داد خودت نرسی هیچ‌کس نمی‌رسد.

سوراخ قایق

من می‌گویم: بابابزرگ فیلسوف ما تعریف می‌کرد آدم‌خوارها چندنفر را گرفته بودند و یکی‌یکی پوست آنها را اول می‌کنند و باهاش قایق درست می‌کردند. بعد خودشان را می‌انداختند توی دیگ و آبگوشت درست می‌کردند.

بعد این وسط دیدند یکی با میخ برداشته و هی می‌زند به دست و پاش!

بهش گفتند: داری چی‌کار می‌کنی؟

گفت: اینها که می‌خواهند من را بخورند و با پوستم هم قایق درست کنند؛ من با میخ می‌زنم پوستم را سوراخ می‌کنم که وقتی قایق درست کردند قایقشان سوراخ باشد و غرق شوند!

حالا شده حکایت کشاورزی. شمال که آبکی است همه شالیزارها را خشک می‌کنند و ویلا می‌فروشند. بعد باقی جاها که بی‌آب است برنج می‌کارند و هندوانه. وقتی هم برسی، می‌گویند تقصیر مسئولان است که وضعیت این است. ما هم می‌گویم تقصیر مسئولان است، ولی قایقی که داریم سوراخ می‌کنیم به امید آینده، پوست تن خودمان است.

مار از پشت: بابای سوفیا می‌گوید: یعنی تو می‌گویی نباید از کشاورز و کارگر حمایت کرد؟ آیا تو غرق رؤیای کاپیتالیست‌ها شدای؟ آیا عمله بازار آزاد هستی؟ بدبخت؟ آیا تو با مسئولان ساخت‌ویاخت کردی؟ بی‌شعور وطن‌فروش؟ ضد چپی ای ابله؟

من می‌گویم: بابابزرگ فیلسوف ما می‌گفت یکی رفته بود آموزشگاه رانندگی. وقتی داشت برمی‌گشت باغ، بهش گفتند: مملی بدو که بابات را مار نیش زده. مملی گفت: مار از پشت زده یا از جلو؟ بهش گفتند: از جلو. مملی گفت: چون مار از جلو زده به بابام، مقصر بابام است که عقب بوده.

حالا حکایت ماست. ما هم می‌گوییم با این بی‌آبی و این بی‌سیاسی، کشاورزان واقعا بیچاره شدند، اما به کسی که قنات خشک می‌کند و رشوه می‌دهد که چاه بزند و حتی به فکر آینده زمین و خانواده‌اش نیست، به کسی که صدها لیتر آب مصرف می‌کند که دو لیتر هندوانه و برنج بفروشد، چه باید گفت؟ نباید گفت لطفاً به زمین و آب رحم کن اخو؟

بابای سوفیا می‌گوید: خاک‌توست که تو هم زدی توی خاکی. باید دوتا تویتت عیله‌ات کنم و متوورت را بیاورم پایین.

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... قیلا که بچه بودم می‌رفتم زاینده‌رود عشق‌وحال. الان هرده‌فم می‌روم اصفهان انگار می‌روم زیارت اهل قیور و برای مرحوم زاینده‌رود فاتحه می‌خوانم. عاشق خشک‌سال تو!

میدون دوم

پرنده آبی

هیجان ۹میلیارددلاری

● تسنیم عبارت ۹ میلیارد دلار کم شده است را برای تیتربخبر برای گفت‌وگو با یوسف‌ملا، نماینده آمل، انتخاب کرده است؛ درصورتی‌که این نماینده از مشخص نبودن و شفاف نبودن چگونگی واگذاری این ۹ میلیارد دلار گفته است و خواستار شفافیت در این زمینه شده است. تا بعدازظهر روز جمعه که بانک مرکزی بیانیه داد و اعلام کرد: «سرنوشت ۹ میلیارد دلار کاملاً مشخص است»، بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به ابعاد این رقم و تأثیرگذاری آن در اقتصاد پرداختند. ازجمله مقایسه‌ها این بود که درآمد کل کشور تاچیکستان در سال ۲۰۱۷ حدود هفت میلیارد دلار بوده است، ساخت بلندترین برج جهان یک‌وینیم میلیارد دلار خرج برداشته، total equity شرکت پورشه هم ۱۰ میلیارد یورو است. تصویری هم از حجم سه میلیون دلار اسکناس صددلاری منتشر شد و درخواست شد ابعاد این تصویر سه هزار برابر بیشتر شود. البته عده‌ای هم به‌شدت به وزیر جوان کابینه که با تی‌شرت پولو و شلوار جین باکیما علیزاده دیدار کرده بود، اعتراض کرده بودند و می‌گفتند به خاطر این مسائل خوشحال نباید بود. باید مسئولان بیشتر به دنبال این باشند که شفاف‌سازی در زمینه اعطای دلار و مسائل اقتصادی رخ دهد. مخاطبان شبکه‌های اجتماعی درخواست داشتند تا به سرعت عمل به شفاف‌سازی درباره این ۹ میلیارد دلار پرداخته شود تا کمکی به کم‌کردن فسادهای رایج در زمینه اقتصاد شود.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۳۹ • ۱۱ آگوست ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۴۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنامه فردا

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com



دور دنیا

هزاران کودک پناه‌جو در انتظار کلاس درس

دختر ۱۲ساله افغان می‌گوید: «من اینجا افسرده شده‌ام. می‌خواهم به یک مدرسه بروم و درس بخوانم». دختر بسیار باهوش و بااستعدادی است که شش ماه است در اردوگاه پناهندگان موريا در جزیره یونانی لسبوس گیر افتاده. «اگر درس نخوانیم، آینده‌ای نخواهیم داشت و موفق نخواهیم شد». یونان به دلیل سیاست مهاجرتی که اتحادیه اروپا از آن پشتیبانی می‌کند و هزاران مهاجر را در جزایر دریای اژه به دام انداخته است، هزاران کودک پناه‌جو را از حق تحصیل محروم کرده است. آژانس کمک‌های بشردوستانه کمیسیون اروپا این را تأیید کرده‌اند که «آموزش برای خود در امور پناهندگان در یونان را ببیند که در برخی هزینه‌اش بالغ بر بیش از ۱۴ هزار دلار (۱۲هزارو ۱۰۰ یورو) برای کمک به هر مهاجر و پناه‌جو شده است. اما چنین انتظاری اشتباه است، مخصوصاً وقتی صحبت از کودکان پناه‌جو و مهاجر جزایر اژه باشد. به نظر می‌رسد در سیاست دولت یونان اهمیت تحصیل کودکان نادیده گرفته می‌شود. در این سیاست با پشتیبانی اتحادیه اروپا بسیاری از پناه‌جویانی که از طریق دریا از ترکیه به جزایر وارد می‌شوند، تا زمانی که ادعای پناهندگی آنها رسیدگی نشود، از انتقال به سرزمین اصلی که خدمات بهتری در آن ارائه می‌شود، باز داشته می‌شوند. تحقیقات سازمان دیده‌بان حقوق بشر نشان داده است که در جزایر دریای اژه که در زمان خاصی بیش از سه‌هزار کودک پناه‌جو در ستین مدرسه در آن وجود داشته، کمتر از ۴۰۰ نفر در مدرسه حضور داشته‌اند. طبق آخرین آمار ارائه‌شده در سوریه که بسیاری از پناهندگان از آن فرار کرده‌اند، نرخ ثبت‌نام در مدارس ابتدایی در سال ۲۰۱۳ و دو سال بعد از آغاز جنگ ۶۳ درصد بود. یونان برای تعدادی از کودکان در اردوگاه‌های دولتی در جزایر کلاس‌های پیش‌دستانی دایر کرده است. اما کودکان دیگر در این اردوگاه‌ها – برخلاف کودکان در اردوگاه‌های سرزمین اصلی – دسترسی به آموزش رسمی ندارند.

اردوگاه‌های پرجمعیت

وزارت آموزش و پرورش یونان برای کودکانی که به زبان یونانی صحبت نمی‌کنند و به مدرسه نرفته‌اند، کلاس‌های رسمی در نظر گرفته اما فقط تعداد کمی از آنها پذیرفته می‌شوند که مجاز به ترک اردوگاه‌های دولتی و انتقال به سرپناه‌ها یا مسکن کمکی شده‌اند. دولت یونان ادعا کرده دسترسی به آموزش برای کودکان در اردوگاه‌های جزیره امکان‌پذیر نیست، چون قرار است از آنجا منتقل شوند. در واقع، تازه‌واردشدگان

مراسم روز خبرنگار، چهارشنبه ۱۷ مرداد به میزبانی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با حضور گسترده اعضا و روزنامه‌نگاران برگزار شد. در این مراسم، سخنان تأثیرگذاری بیان و پادی هم از افراد قدیمی‌تر مطبوعات شد. احمد زیدآبادی، ماشاء،الله شمس‌الواعظین و بدرالسادات مفیدی ...از جمله سخنرانان بودند.

ماشاء،الله شمس‌الواعظین به این نکته اشاره کرد و گفت: «از ایران نرقم تا بهتر بتوانم روایت کنم». مینو بدیعی گفت: «روزنامه‌نگاری و گزارش‌نویسی در جامعه ما جز درد نبود». بدرالسادات مفیدی نیز مانند دیگر سخنرانان از خواسته صنفی روزنامه‌نگاران یعنی بازگشایی انجمن صنفی روزنامه ایران گفت و برای چندمین‌بار تأکید کرد: «اصراری به ماندن در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران نداریم، هدف ما تعیین تکلیف وضعیت انجمن است».

احمد زیدآبادی نیز با تشریح روند این روزهای روزنامه‌نگاری، پیشنهاد داد: «باید مکانیسمی طراحی شود که پارانه اعطایی به مدیران مطبوعات به روزنامه‌نگاران تعلیق گیرد». او همچنین شرایط امروز روزنامه‌ها را با کارگران معدن در قرن ۱۹ مقایسه کرد.

یادبود

در رثای لئونارد لويسون زبان‌شناس

رفیق رحیم آجانی*



استاد راهنمای دکترای من در دانشگاه اگزتر انگلستان، استاد مسلم ادبیات و عرفان فارسی، دکتر لئونارد لويسون، چند روز پیش در تاریخ شش آگوست ۲۰۱۸ برابر با ۱۵ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی، دیار فانی را وداع کرد و به دیار باقی شتافت. دو سال پیش بود که به اصرار و پیشنهاد او به ایران آمدم تا زبان فارسی خود را بهبود بخشم و با استادان و پژوهشگرانی که روی موضوعات مشابه پایان‌نامه دکترایم کار می‌کنند، آشنا شوم و کار کنم. شب گذشته، در مشهد، خبری دریافت کردم که استادم دیگر در میان ما نیست. یک هفته دیگر او قرار بود در انجمن مطالعات ایران در دانشگاه کالیفرنیا در مورد زمان متافیزیکی در شعر مولانا، صحبت کند. اما زمان او را امان نداد تا از زمان صحبت کند. دکتر لويسون استاد راهنمایی غیرمعمول و یک مرد غیرمعمول هم بود. برخلاف دیگر استادان این حرفه، برای او، پایان‌نامه‌های دانشجویانش، فقط پایان‌نامه نبودند، بلکه بخشی از زندگی و کار آنها و لاجرم کار و زندگی خود او بودند. این موضوع در لويسون بسیار برجسته و یگانه بود. در هر ملاقات با او، همیشه فهرست مفصلی از منابع و مقالات و مطالبی که از نظر او به کار شما می‌آید، خودش فتوکپی گرفته و برایتان آورده بود. زمانی که در انگلستان بودم، همیشه در یک پارک، در زیر آفتاب کم‌جان انگلستان، به بحث و گفت‌وگو می‌نشستم. وقتی با او قرار داشتی، غیرممکن بود او را در میان جمعیتی پیدا کنی: سرگرد، سیبل درشت، عنبک گرد کوچک و عموماً با پیراهنی تیره و شلواری سبک و گشاد، با کیفی چرخدار انباشته از کاغذ و کتاب. در زمستان، اغلب یک کلاه خلبانی و کاپشن سبک هم به این مجموعه اضافه می‌شد. پس از نشستن ساعتی در پارک، برای عوض شدن حال و جا، در ادامه بحث به کافی‌شاپی می‌رفتم و او همیشه نوشیدنی موردعلاقه‌اش، چای لاته، سفارش می‌داد و با حرارت حین نوشیدن، بررسی خود از کار مرا ادامه می‌داد. به‌عنوان شاگرد خلف مولانا، اکثراً با روحیه و پرنرژی بود. باحرارت و بلندبلند صحبت می‌کرد، جوری که طنین صدایش کافه را پر می‌کرد و همه گزارش کار مرا می‌شنیدند. خوبی‌اش البته این بود که این کار را به فارسی انجام می‌داد. فارسی او به لهجه غلیظ آمریکایی اما استوار و به‌غایت به‌قاعده بود. از سال‌ها پیش، از زمانی که لئونارد جوان و همسرش، جین، در ایران قیل از انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ خورشیدی) در دانشگاه شیراز دانشجوی ادبیات فارسی بودند، زبان فارسی، زبان اولشان شده بود. همسرش، جین، حتی چنان فارسی‌زبان شد که توانست بر لهجه آمریکایی‌اش هم غلبه کند. وقتی اولین‌بار جین را دیدم گمان کردم که زنی ایرانی است. پس از گفت‌وگو با لئونارد، او گفت که با فارسی‌اش سخنرانی‌های قدیمی و متروکه را در حومه آکسفورد خریداری کرده و آن را به یک خانه زیبای ایرانی و مدرن تبدیل کردند. پارسال، دکتر لويسون نامه‌ای نوشت و گفت که می‌خواهد به ایران (دانشگاه فردوسی مشهد) بیاید تا از نزدیکی پیرشت کار مرا ببیند. سفارت ایران اما، تقاضای او را از آن‌رو که پاسپورت آمریکایی داشت، رد کرد و به او ویزا نداد، به مردی که سردمدار ادب فارسی بود. سال‌ها در ایران زندگی کرده بود، بارها به ایران سفر کرده و سخنرانی‌ها در ادبیات فارسی و عرفان ایرانی کرده بود. این جای بسی تأسف است. جا داشت و دارد که در ایران، در کنار استادانه‌های شعر فارسی، مانند حافظ که لويسون اشعارش را در قلب و حافظه خود حفظ کرده بود، برای این ایران‌دوست بزرگ و حافظ زبان و ادب فارسی یادبود درخوری با حضور همسرش، جین، برپا شود. در جلسات ما، همیشه بعد از نقد و بررسی کار من، او بیتی از حافظ را به‌عنوان حسن‌ختم جلسه می‌خواند تا درس بر من بنشیند و درونی شود و درس را نه برای کار که برای زندگی بفهمم. اگر از او سؤال می‌کردی، دین و اعتقاد شما چیست؟ پاسخ می‌شنیدی: «مذهب عشق». برخلاف دیگر دانشگامیان، او نگاهش منفعل و به‌اصطلاح بی‌طرفانه به موضوع تحقیق و پژوهشش نداشت. او، به نظر من، یک محمود شبستری آمریکایی و عارفی مدرن بود. با وجود تمام کمبودها و مشکلاتم؛ چه در زندگی شخصی و چه در حرفه و موضوع پایان‌نامه‌ام، دکتر لويسون به من اعتماد داشت و همواره حمایتگر کرد. چه ساده‌انگانه فکر می‌کردم که به‌زودی بر در اتاقش ضربه‌ای خواهم زد، در را خواهم گشود و پایان‌نامه خود را شخصاً به او تقدیم خواهم کرد. اکنون کدامین در را باید رنزم که با فارسی من به لهجه آمریکایی‌اش به من بگوید: «آقای رفیق! بالاخره ترت و ترم کردی؟»...

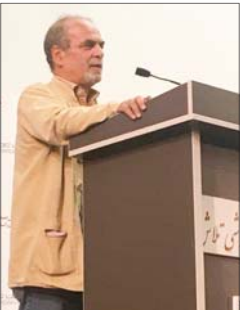
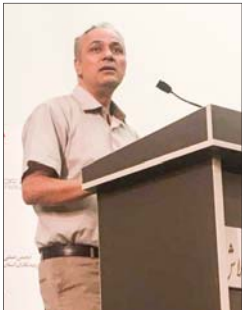
۱- لئونارد لويسون (با لوینز) متولد ۱۹۵۳ در آمریکا اسلام‌شناس، مولاناپژوه و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی دپارتمان مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه اگزتر انگلستان سردبیر مجله «مولانا ریویو» از میان مجموعه آثار او متشکل از ۹ کتاب، ۲۱ مقاله، ۱۷ فصل کتاب و ۱۱ مقاله ارائه‌شده در کنفرانس‌های علمی، تنها تعداد اندکی از آنها به فارسی ترجمه شده است که در ایران، در آن جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «دوش دیدم که ملانک در میخانه زند» شعر فارسی حافظ ترجمه‌شده به انگلیسی نشر مرکز ۱۳۹۱/ دوره دوجلدی میراث تصوف نشر مرکز، ۱۳۸۴/ فراسوی ایمان و کفر شیخ محمود شبستری نشر مرکز ۱۳۷۹ اشاره کرد.

✽ رفیق رحیم آجانی، اصالتاً از پاکستان، در دانشگاه فردوسی مشهد به تحقیق و تکمیل پایان‌نامه در مورد توسعه مفهوم «رندی» در شعر کلاسیک فارسی از قرن ۱۰ تا ۱۴ (میلادی) زیر نظر دکتر محمد تقوی و دکتر احسان قبول، مشغول است.

گزارش فردا

هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران بیانیه داد

دیدار در روز خبرنگار



علی ربیعی، توضیحاتی را به شرح زیر اعلام می‌کند: ۱- پیشنهاد اعطای کارت عضویت افتخاری انجمن به آقای علی ربیعی، صرفاً به منظور قدرناتی از خدمات ایشان برای تأسیس انجمن، از سوی یکی از اعضا و دست‌اندرکاران برنامه مطرح شد؛ اما تشریفات لازم برای تصویب اعطای عضویت افتخاری به ایشان در هیئت‌مدیره انجمن انجام نشد. ۲- هیئت‌مدیره متوجه قصور خود در این فرایند شده است و با پذیرش کامل مسئولیت خود، از اعضا پوزش می‌طلبد. سازوکارهای لازم برای پیشگیری از این نوع ناهماهنگی‌ها، پیش‌بینی شده است.»

بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران

این مراسم بیش از ۴۲۰ مهمان داشت و روزنامه‌نگارانی پرشوری را از دیدار با همکاران قدیمی و روزنامه‌نگارانی که به دلایل مختلف امکان کار و حضور در فضای رسانه را ندارند، فراهم کرده بود؛ اما یکی از اتفاق‌های مراسم، چندان با استقبال روزنامه‌نگاران روبه‌رو نشد. به همین مناسبت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران بیانیه‌ای منتشر کرد که در ادامه می‌آید: «انجمن، ضمن سیاست از حضور همکاران گرامی خود در این مراسم، لازم می‌داند در پاسخ به طرح انتقادهایی از سوی برخی همکاران درباره اعطای کارت عضویت افتخاری به آقای

سلام به فردا

شاید جلوی ریزش اقتصاد گرفته شود



احمد شیرزاد

چند روز از صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور که با هدف آرام‌بخشی جامعه انجام شد، می‌گذرد. او با هدف متقاعدکردن جامعه سخن گفت. با هدف کسه به یاد مردم بیاورد مسئولان به فکر حل مشکلات

هستند و کنترل اوضاع به دست مسئولان نظام است. هدف اساسی این بود و به همین دلیل بود که با لحن بسیار آرام سعی داشتند خبرهای مثبت را برجسته کنند و دستاوردهای دولت را برشمرد. هرچند مشکلاتی که در دو، سه ماه اخیر داشتیم و هر هیچ‌کس پوشیده نیست را نیز یادآوری کرد. در یک جمله می‌توان چنین برداشت کرد که آقای روحانی می‌خواست بگوید بحرانی اقتصادی داشتیم، این بحران اقتصادی به ما شوک وارد کرد، ولی الان توانسته‌ایم که بر این شوک غلبه و اوضاع را کنترل کنیم؛ هرچند در شرایط تازه‌ای قرار گرفته‌ایم و وضع‌مان نسبت به گذشته تغییر کرده است. هدف این بود که مردم باور کنند دولت توانسته بر اوضاع مسلط شود؛ درست مانند بیماری که در حالت بحرانی به بیمارستان مراجعه می‌کند، و ملتهب و بلا تکلیف است و کسی نمی‌تواند درباره او قوی‌ی یا نظر قطعی بدهد. اما سرانجام زمانی می‌رسد که پزشکان خبر می‌دهند وضع بیمار در حال کنترل است. این حالت به آن معنا نیست که بیمار مشکلی ندارد، بلکه به آن معناست که پزشکان توانسته‌اند شرایط را تحت کنترل درآورند و اوضاع را مدیریت کنند.

آقای روحانی اشاره کرد که با تأخیر با جامعه صحبت می‌کند؛ تأخیری که برای کنترل اوضاع بود. می‌توان گفت از حدود یک هفته پیش از آن و بعد از انتصاب رئیس جدید بانک مرکزی و اعلام سیاست‌های جدید ارزی، یک مقدار بازار ارز آرام گرفته و نرخ ارز با شیبی آرام در حال کاهش است و از آن رقم‌های افسانه‌ای دلار ۱۰ هزار یا ۱۲ هزار تومانی فاصله گرفته‌ایم. با این حال هیچ ناظر اقتصادی پیش‌بینی نمی‌کند که به وضعیت گذشته برگردیم و دلار مثلاً دوازده سه‌هزار و ۵۰۰ تومانی یا چهار هزار تومانی را تجربه کنیم. واقعیت‌های بازار هم نشان می‌دهد که اگر بخواهیم به آن دلار برگردیم، باید یک درآمد عظیم نفتی تضمین‌شده در دستمان باشد و هرچه درآمد داشته باشیم، به بازار تزریق کنیم. طبیعی است که این کار را نخواهیم کرد چون نه درآمد افسانه‌ای تضمین‌شده داریم و نه علاقه‌ای است که اگر زمانی درآمد بهتری داشتیم، همه آن را هزینه کنیم. ما باید خود را برای شرایط مقاومت در برابر تحریم‌ها آماده کنیم و به همین دلیل باید سیاستی صرفه‌جویانه در اقتصاد ملی در پیش بگیریم؛ از سوبنی صرفه‌جویی و از سوبنی کسب درآمدهای جدید. روشن است که سیاست‌های جدید اقتصادی در شرایط تحریم این نیست که نرخ ارز را خیلی پایین نگه داریم. با حقایق اقتصادی هم‌خوانی ندارد و باعث می‌شود هزینه‌های ملی بالا برود، واردات بسیار زیاد شود و صادرات با کاستی مواجه شود. به این ترتیب، صحبت‌های آقای روحانی اشاره‌های تلویحی به این بود که ما از سیاست ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و همچنین از سیاست کنترل مبادله ارز و ممنوع به‌حساب‌آوردن خرید و فروش ارز عدول کرده‌ایم. این اعلام، ولو تلویحی، به‌نظر من برای فعالان بازار خبر مهمی است. دولت ضمناً هشدار داده است که با سوءاستفاده‌کنندگان از شرایط جدید برخورد خواهد کرد، ولی در عین حال این خبر را می‌دهد که این شرایط، شرایط را کنترل‌شده دولتی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی نیست. این علامت‌ها در مجموع مثبت است و هم بازار ارز و هم بازار بورس واکنش مثبتی به آن نشان داده است. اینها همه خبرهای خوشی است و البته خبرهای خوش نسبی؛ در واقع ما در مقابل یک فرویزش و درهم‌ریختگی اقتصادی توانسته‌ایم این اقتصاد را نگه داریم و طبیعی است که باید با مدیریت جدید ببینیم چگونه می‌توانیم فشارهایی را که به بخش‌هایی از جامعه می‌آید، جبران کنیم.

خبر

ارتش ترامپ در فضا

ایرنا؛ وزارت دفاع آمریکا گزارشی را منتشر کرد که طبق قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۸، پنج اقدام می‌تواند بلافاصله انجام شود ازجمله: «ایجاد یک نیروی عملیاتی فضایی حرفه‌ای که یک جامعه جدید از کارشناسان را تشکیل می‌دهد که تلاش‌های امنیت ملی فضایی آمریکا را در آینده راهبری کنند. ایجاد یک ساختار اجرایی و نظارت غیرنظامی برای نیروی فضایی و ایجاد یک فرماندهی فضایی ایالات متحده، فرماندهی». در بخش دیگری از گزارش آمده است: رئیس‌جمهور ترامپ می‌داند که فضا به شیوه زندگی و رفاه اقتصادی آمریکا بستگی دارد و حوزه‌ای حیاتی برای اقتصاد ملی است و نیروی فضایی به‌عنوان شاخه ششم ارتش ایالات متحده، آمریکا نیاز در فضا، تمرکز و سرمایه‌گذاری را که این حوزه مستحق آن است، دریافت خواهد کرد. در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۱۸، ترامپ استراتژی فضایی ملی را اعلام کرد که رقبای آمریکا فضا را به منطقه جنگی تبدیل کرده‌اند و رهبری آمریکا باید بر فضا تداوم یابد. بلافاصله پس از اعلام این استراتژی بسیاری از دانشمندان با آن مخالفت کردند؛ انوشه انصاری و فیروز نادری نیز از جمله این افراد بودند.